

■ سر آغاز بحث: انهدام خانواده، رمز سقوط جامعه

نخستین نکته را از اهمیت نهاد خانواده آغاز می‌کنیم و به این سؤال جدی می‌پردازیم که به راستی صلاح و فساد یا گرمی و سردی خانواده، چه تأثیری بر استحکام و فروپاشی بنیان اجتماع دارد؟

می‌دانیم که «اجتماع بزرگ بشری»، از «جوامع انسانی کوچک‌تر» و جوامع کوچک‌تر نیز از ارتباط و اتصال و همکاری و هماهنگی واحدهای مختلف «خانواده» تشکیل می‌شود. چنانچه اجتماع را به یک ساختمان و بنای مهم و معظم تشبیه کنیم، خانواده حکم بی و اساس آن بنا را دارد و به دیگر تعبیر، به منزله آجرها و سنگ‌های به کار رفته در بنای یاد شده است که استحکام یا سستی آنها نقش مستقیم و تعیین‌کننده در قوام و دوام یا تزلزل و فروپاشی آن بنا دارد.

اسلام برای آنکه جامعه‌ای سالم، بهنجار، مستحکم و سعادتمند داشته باشد، روی مسئله خانواده و سلامت و امنیت و صفا و معنویت آن، تکیه و تأکید بسیار دارد و برای صحت و صلابت مبانی و استحکام پیوند اجزای آن – خصوصاً پیوند زن و مرد که اعضای رئیسه این نهاد مقدس به‌شمار می‌روند – سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی فراوان می‌کند. متقابلاً (مع الالأسف) استعمار نیز به منظور مهار و شکار جوامع انسانی (شرقی) و تضعیف و انهدام پایگاه‌های طبیعی مقاومت آنها تلاش بسیار دارد که با برنامه‌ریزی‌های دقیق و شیطانی خویش، بنیان خانواده – این سنگ زیرین بنای جامعه – را متلاشی و واژگون می‌سازد.

■ خانام و نقش نظام اسلامی

بنابراین، نظام حکومتی همچون نظام جمهوری اسلامی ایران که اولاً: به دنبال ارائه الگوی جامع‌ه مطلوب دینی و اسلامی به جهان است و ثانیاً: از همه سو در معرض هجوم توطئه‌ها و ترفندهای ظریف استعمار قرار دارد، باید نسبت به سلامت نهاد خانواده و استحکام مبانی آن حساسیت بسیار داشته باشد و با شناخت دقیق افات و عوامل تضعیف و فروپاشی این نهاد، به پیشگیری از این افات و بلیات همت گمارد و در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های خرد و کلان خویش، حداکثر یختگی و درایت را از خود نشان دهد. به ویژه مواظب باشد که اسیر و مجذوب برخی شعارهای صرفاً احساساتی نشود و در دام بعضی مشهورات و مقبولات رایج مربوط به زنان – که از غرب آمده و بیشتر مصرف سیاسی و تبلیغاتی دارد – درنگند، چه در غیر این صورت، به دست خود تیشه بر ریشه موجودیت و صلابت خویش زده و به استقبال دشمن فعال و مترصد رفته است.

■ خطر موج‌های فریبنده درباره زنان

آنچه امروزه در برخی از مطبوعات و رسانه‌های جمعی دیده می‌شود و به صورت موجی بر دستگاه‌های قانون‌گذاری و اجرایی و قضایی نیز کمابیش تأثیر گذارده است، نوعی گرایش به موج رایج آزادی بانوان و تساوی حقوق زن و مرد (به شکل غربی) و تأثیرپذیری فرازنده از آن است. بدین گونه که اولاً: با دیدگاه‌ها و نظریات مقابل و مغایر با این موج وارداتی غربی (دیدگاه‌های به اصطلاح سستنی، تشدیداً بر‌خورد شکاری و احساساتی می‌شود و بی‌آنکه در مبادی و غایت آن نظریات، عالمانه و منصفانه بررسی و تحقیق گردد، از آنها به عنوان ارزش‌های، فرسوده و یادگار دوران اسارت زن و... یاد می‌گردد)و متقابلاً دیدگاه‌ها و نظریات غربی به عنوان ارزش‌های مطلق و غیرقابل نقد، مورد تبلیغ و پروپاگاندا قرار می‌گیرد. ثانیاً: زمینه‌ها و عوامل تاریخی و نیز مبانی نظری و تئوریک جریان نهضت آزادی و تنسواوی بانوان در غرب، مورد بررسی و تحقیق علمی قرار نگرفته و درباره دستاوردها و پیامدهای فرهنگی و اجتماعی این جریان در بر‌خاستگاه اصلی آن (مغرب زمین)، آسیب‌شناسی صورت نمی‌گیرد. ثالثاً: میزان انطباق این مبانی با اصول و موازین شرعی و اسلامی، حتی در چه‌سازگاری و تناسب آنها با طبیعت شرقی –

ایرانی – اسلامی – شیعی مردم ما مورد توجه و بررسی کارشناسانه قرار نمی‌گیرد و بالاخره، نقش حساب شده و مرموز و خطرناکی که استعمار، به شیوه‌ها و اشکال گوناگون، در این عرصه بازی می‌کند مورد غفلت واقع می‌شود و ترفندهای رنگارنگ جهان‌خواران مستکبر، عالمانه و محققانه رصد نمی‌شود. این در حالی است که برخورد مدیرانه با مسائل اجتماعی، آن هم موضوعات مهم و اساسی چون کبان خانواده و مناسبات زن و مرد و... در گرو پرهیز هوشمندانه و شجاعانه از برخورد‌ها و ژست‌های احساسی و دقت و تأمل کافی در مبادی و مبانی نظری و عملی این مسائل است.

■ نمونه‌هایی شگفتا!

به عنوان نمونه، سال‌ها پیش در ایام ولادت حضرت صدیقه طاهره «ع» در ماه جمادی‌الثانیه ۱۳۷۱ شمسی – که روز زن نامگذاری شده است – در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران و نیز برخی از جراید کشور، بعضاً شاهد برخی گزارش‌ها، تحلیل‌ها، مصاحبه‌ها و... بودیم که برای انسان‌های هوشمند و دلسوز و متوجه به مسائل و مصالح، جای تأسف بسیار داشت و باید بگویم، زنگ خطر را به صدا درآورد! گویی برخی با استفاده از فضای آزاد جامعه اسلامی ما – که از ویژگی‌های مبارک جمهوری اسلامی است – می‌خواستند یک شبه عقب‌ماندگی ۱۰۰ ساله تشبیه به غرب را در کشورمان جبران کنند! همچنین در یکی از برنامه‌های سیما، خامنه‌ی به عنوان گزارشگر، میکروفونی را در دست گرفته و در کوچه و بازار– جلوی مردان مختلط می‌رفت و به گونه‌ای که گویی همگی برادر و محرم اویند، آنها را با ضمیر مخاطب مقرر (تو) خطاب قرار می‌داد و سؤالات عجیب و غریب (و کاهل‌تخریک‌کننده)ای می‌پرسید! اولین سؤال با سؤال کلیدی‌اش از مرد‌های این بود: «تو چقدر به زنت ماهانه حقوق می‌دهی؟» و آنها در می‌ماندند به این سؤال (که اساساً با فرهنگ رایج در کشور ما بین زن و شوهر، تناسبی نداشت) چه پاسخی

مقالات

تاریخ ۸۸۴۹۸۴۳۷



پشت پرده سناریوی «کشف حجاب» در ایران

فروپاشی نظام زن و خانواده

دست‌ها و دسیسه‌ها

■ زنده یاد استاد علی ابوالحسنی (منذر)

به کوشش: محمدصادق ابوالحسنی

«زن» و «خانواده»، یکی از مسائل زیربنایی در ساختار جوامع بشری است که به‌ویژه در ایران معاصر، منشأ بحث‌ها و چالش‌های گوناگونی بوده‌است. با این حال امروزه مقوله «زن» و نظام «خانواده» بیش از هر زمان دیگر مورد هجوم قرار گرفته‌است. آنچه در روزگار ما یک‌ایرانی‌دلسوز را شدیداً ناگوار می‌سازد، دست‌های مرموزی است که در داخل و خارج از کشور به کار افتاده‌اند: دست‌هایی که می‌خواهند با یک‌سری قوانین‌های پیچیده، بنیان خانواده را از اساس متلاشی کنند و با غوغای ویرانگر تبلیغات، جامعه زنان را به طلاق، بی‌هویتی و بی‌عفتی دچار سازند. هدف اصلی دشمنان ایران زمین آن است که با این کار، آن‌مادران شیرزنی که بزرگمردان ایرانی را تربیت می‌کردند، از صفحه‌روزگار محو سازند؛ یعنی همان بانوان پاکدامنی که امیرکبیر‌ها، قائم‌مقام‌فرهانی‌ها، صاحب‌بن‌عباده‌ها، میرزاشیرازی‌ها، مدرس‌ها، علامه‌امینی‌ها، امام‌خمینی‌ها، شیخ‌محمدتقی‌پهچت‌ها، حاج‌قاویم سلیمانی‌ها، دکتر حسایی‌ها، جهان‌پهلوان تختی‌ها و دیگر ستارگان فروزان تاریخ را در سپهر جانب‌ه خویش می‌پروراندند و بدین وسیله پرچم اعتلای ایران را به اهتزاز درمی‌آوردند را از جامعه حذف کنند. باری، بزرگ‌ترین خطر برای دشمنان قسم‌خورده این آب و خاک، فرزندان رشید ایران زمینند که در امان همین شیرزنان زبیبی و زهرایی پرورش یافتند و استعمارگران بیگانه بار‌ها از دست‌های غیرمتمدن آنان سیلی خور‌دند. مع‌الأسف، همین شیرزنان عقیق و رشیدپرور، بار‌ها به عنوان مادران سنتی و مر‌تجع،



زندگینده حجت الاسلام والستفین علی ابوالحسنی (منذر)

چاره‌ای نیست جز آنکه، آنچه را نشانی از دوست و پیمای از فرهنگ و سنن الهی گذشته‌مان با خود دارد، سخت و استوار از دستبرد دشمن پاس داریم که در تیرباران خصم، سبیر از کف نهان‌ان تیغ از دست دادن را جز ننگ شکست فرجامی در پی نیست. بیا بیید با همه توان از عفاف و حجاب نوامیس‌مان دفاع کنیم، به هوش باشیم که دشمن ما را آبا تعبایر م‌زورانه‌ای نظیر حجاب اجباری و همچنین بازی اختیاری ا– به دست خودمان – خلع سلاح نکند

گرفت و مردانی که راه خیانت و ناراستی و دزدی و تقلب آوردند... (ر. ک: تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم، جعفر شهری، ج ۱، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ج ۲، تهران ۱۳۷۸، ص ۵۸ – ۵۸۹). شگفتی ماجرا زمانی روشن می‌شود که این آمار را نه با وضعیت امروز تهران، بلکه با جمعیت دختران آور د و در فواید کشف حجاب نطق کرد، یکی از کارشناسان استعمار انگلیس با شادمانی گفت: ما با این برنامه‌ای که در ایران اجرا کردیم (یعنی کشف حجاب) و آن را نیز از دربار سلطنت ایران آغاز کردیم، کاری کردیم دیگری صحنه‌ای که زمان نهضت تحریم تنیاکو در دربار شاه قاجار (ناصرالدین شاه) رخ داد، تکرار نگردد! (اشاره به دفاع جاتانه انیس‌الدوله، سولگی ناصرالدین‌شاه از میرزای شیرازی و نهضت تحریم تنیاکو در برابر انگلیسی‌ها)، باری، شادمانی این عنصر انگلیسی، بی‌جهت نبود و دیری نپایید که آثار خائن‌ان‌سوز کشف حجاب رضاخانی نظیر فروپاشی نظام خانواده و عفت عمومی آشکار شد. در این زمینه حذف فزونی گرفت، به صورتی که در برج اول اعلام آزادی زنان، بیش از ۱۲ هزار زن، تنها در تهران از شوهرانشان جدا شده و راهی خیابان‌ها گردیدند... خلاصه، از آزادی زن چیزی که عاید شد اینک‌ه میزان فروش پودر، ماتیک و لوازم توالت و البسه بدن‌نما و اسباب‌قر و فر به مقدار قابل توجهی سیر صعودی در پیش

از همایش‌های علمی که در همان سال‌ها، یکی از مؤسسات علمی (وابسته به جناح راست) گذاشته بود، یکی از خانم‌های ظاهرآ مدتین خیلی رک و صریح، در مقام تشویق خانم‌ها به کارکردن در بیرون خانه می‌گفت: هی برای می‌کند و محاسبه سادری و پرورش کودک حرف می‌زند، بابا این حرف‌ها دیگر امروزه کهنه شده و تأسیس پرورشگاه‌ها و مهدکودک‌ها برای همین است که خانم‌ها برای کار، در خارج از خانه آزاد راحت باشند! از آن سار، اینجا و آنجا نیز این سخن مطرح شد که باید برای خانم‌ها – که نصف جامعه ما هستند – کار تهیه کنیم و ظاهرآ از این معنای واضح غفلت یا غفلت‌شد که اداره امور خانواده (نظافت خانه، غذا و مهم‌تر از همه، پرورش و تربیت فرزندان که شغل مقدس مادری است) خود کار، آن هم کاری بسیار مهم است و تفوه صریح یا ضمنی به بیکاری خانم‌ها، غفلت از کارهای ضروری و مهم داخل خانه و توهینی آشکار به شأن‌والای همسری و مادری خانم‌هاست.

■ نکات مغفول و فراموش شده

پیداست که هیچ کس، منکر شرکت خانم‌ها در امور اجتماعی، به ویژه مشاغل مهم و ضروری که صرفاً باید از سوی خود زنان صورت گیرد (نظیر طبابت و درمان خانم‌ها در امور مامی و جراحی و...) نیست، اما بنیان کار را بر تقسیم کارهای بیرون و درون خانه میان مرد و زن نهادن و هر یک از این دو عضو رئیسه در نهاد خانواده و اجتماع را در جایگاه طبیعی و اصلی خاص خویش قراردادن و آنگاه حق موارد استثناء و ضرورت را با کرسی بنشان. از این روی، استعمار برای مهار چشم‌بسته به استقبال نظام مدنی غرب شتافتن کجا؟! به قول شاعر: تیز می‌روی جانا، ترسمت که خودمان!

دشمنان اسلام به انگیزه محو اساس، همواره از مبارزه با وجهه‌ظاهری و عملی دین – یعنی از مبارزه با شعار و – آغاز می‌کنند، برای آنکه روح تقوا و عفاف را نابود سازند، چادر و روسری را – به جبر و عنف (همچون زمان رضاخان) یا به غنچ و دلال (همچون عصر محمدرضا) – از سر زنان و دختران مسلمان می‌ربایند. واقعیت این است در میان شعائر مذهبی، آن دسته که چشمگیرتر از بقیه‌اند، همواره سب‌ر بالای شعائر دیگرند و دشمن برای نابودی کل شعائر، نخست از مبارزه با آنها آغاز می‌کند

به راستی اسلام زن را از چه منظری می‌بیند و این کسان – که متأسفانه در جامعه ما کم هم نیستند – از چه منظری؟ (جهاد المرأة حسن‌التقیل/ الجته تحت اقدام الانهات...) آیا اسلام، اساس را بر شناخت دقیق تفاوت‌ها و تقسیم‌ظریف مسئولیت‌های زن و مرد می‌گذارد یا همچون غرب با مثنی شعارهای فریبنده که درستی و کارآیی آنها باید، عالمانه و موشکافانه به حکم عقل و علم و تجربه و حس سنجیده شود، تفاوت‌ها را نادیده گرفته و مرزها را در هم می‌ریزد؟

همچنین کسی منکر بعضی خط‌ها و خطاها در رفتار مردها نسبت به همسران خویش نیست و باید برای حل این مشکل اجتماعی، عالمانه و عاقلانه، فکری جدی و اساسی شود. اما اصلاح این امر نیز اولاً: (پس از بررسی و شناخت عمیق و همه‌جانبه این مشکل)، تنها از طریق اجرای دقیق و کامل دستورات اسلام درباره خانواده بر می‌آید و پس، نه تقلید کلیشه‌ای از غرب. ثانیاً: نباید از تفریط موجود، به دنده افراط افتاد و در نتیجه (ناخواسته و نادانسته) به جای اصلاح ابرو، شمع را کور کرد! در اینجا باید به دو نکته دقیقاً توجه شود. نکته نخست، توجه عالمانه به ریشه روند تاریخی پیدایش و گسترش موج «زادی زن» و «تساوی بانوان با مردان» در غرب و تأمل در مبانی نظری و ایدئولوژیک این جریان است. در این باب، استاد شهید مطهری در کتاب نظام حقوق زن در اسلام، اشارات جالب و روشنگری دارند که خواندنی است و البته تبیین کامل موضوع، به بررسی و تحقیق بیشتری نیاز داریم از گنجایش نوشتار حاضر بیرون است، اما دومین نکته از اهمیت فراوانی برخوردار است.

■ استعمار و فروپاشی نظام زن و خانواده

توجه دیگر، بررسی نقشه و برنامه استعمار درباره جوامع شرقی و سنگ‌زیرین آن «خانواده» است. استعمار – چنانکه گفتیم – در پی مهار و شکار جوامع شرقی است و برای این کار، از خانواده دقیق‌و خوش، نخست به سرغی زن (بخوانند که به نوبه خود، از سه عنصر: مرد، زن و فرزند تشکیل می‌شود. استعمار برای یکایک این اعضا فساد و انحراف آنها، نقشه و برنامه داشته و از تلاش برای استعمار هیچ یک از این سه عنصر غافل نیست، اما برای اینکه به درون این نهاد بنیادین نفوذ و افسار شیطنانی‌اش را به گردن اعضای آن افکند، با تحلیل حساب شده و دقیق خویش، نخست به سراغی زن (بخوانند مادر و همسر) می‌رود. چرا؟ زیرا در بین عناصر تشکیل دهنده خانواده، خاصه در محیط‌های سنتی شرقی، هرچند این مرد است که قدرت و نفوذ رسمی را در اختیار داشته‌است. بی‌جهت نیست فرمانروای جمع محسوب می‌شود، اما به هر روی از آنجا که ضامن و متعهد تأمین مخارج خانواده است، عقل حسابگرش شوقی عملی می‌کند و محاسبه دائم دخل و خرج و سود زیان اقتصادی، او را از اسارت در چنگ امیال و تمنیات نفسانی و تبعیت از مدهای وارداتی نو به نو و بی‌پایان روز ب‌رح‌دی می‌دارد. فرزندان نیز هرچند به دلیل خامی و ناخوشی خویش، تأثیرپذیرتر از دیگر عناصر خانواده (حتی زن) می‌باشند، اما پیداست آن اختیار و قدرت لازم را که امیال و تمنیاتشان را بر محیط‌خانه و پدر و مادر تحمیل کنند، ندارند. فرزندان، از قدرت می‌توانند روی خواسته‌های خود، اصرار ورزیده و س‌م‌اجت کنند، ولی چنانک‌ه می‌دانیم، اگر خواسته‌های آنان زمینه اجرا و تحقق نداشته باشد با مقاومت پدر و مادر روبه‌رو شده و نهایتاً با تشر پدر یا مادر، موضوع منتفی می‌شود!

■ رمز تمرکز استعمار بر جامعه بانوان!

از این میان، زن حسایی دیگر دارد. او از یک سو نسبت به مرد، ذاتاً عاطفی‌تر و احساساتی‌تر است و بدین جهت و نیز بدین علت که نقل‌با تأمین هزینه خانواده را بر دوش ندارد، لذا زودتر از مرد، تحت تأثیر تبلیغات فریبنده صاحبان کالا قرار می‌گیرد و از دیگر سو نسبت به فرزندان، از قدرت و اختیار بسیار بیشتری در خانه برخوردار است و خاصه با نفوذ و فشار مربی و نامربی می‌تواند بسیاری از حرف‌ها یا خواسته‌های خود را با احیاناً غرض و دلا و یا خ‌م و تخ‌سم – در محیط خانه یا کرسی بنشان. از این روی، استعمار برای مهار و استعمار واحد خانواده – در عین حال که از برنامه‌ریزی جامع و هم‌زمان برای شکار تمامی اعضای خانواده به هیچ وجه غافل نیست – بیش

و پیش از هر کس به سراغ زن خانه می‌رود. و این درس را هم از ابلیس آموخته‌است که می‌دانیم در داستان هبوط حضرت آدم ابوالبشر (ع) از بهشت، برای آنکه آدم را مجبور به سرپیچی از فرمان الهی کند زمانی که از اغفال وی طرفی نیست، تیرهای زهرآگین و سوسه‌اش را متوجه حوا کرد و اتفاقاً کامیاب هم شد.

طبعاً وقتی که افسون القانات و تبلیغات رنگارنگ و فریبنده استکبار، روی خانم‌ها کارگر شد و شیطان استعمار توانست آنان را در مسیر اهداف خود به خدمت گیرد، آنگاه این عنصر مؤثر، روزنه‌ای جهت نفوذ شیاطین انسی به بهشت خانواده می‌شود و دیگر اعضای این نهاد را به دنبال خود به سوی دامی که استعمار پهن کرده می‌کشد. این چنین است که آمار – مثلاً- لوازم و اسباب آرایش در کشورمان، در یک فاصله کوتاه ده‌ها بلکه صدها برابر می‌شود و انواع و اقسام مدها و کالاهای وارداتی از غرب، بازار کشورهای شرقی و اسلامی را تسخیر کرده و نقش‌آفرین زندگی بسیاری از زنان مسلمان شرقی و مسلمان می‌گردد.

■ وظیفه نظام اسلامی درباره حجاب و عفاف

اصولاً هر نظامی خاصه حاکمیت جمهوری اسلامی ایران باید نسبت به همه‌جه فکری و فرهنگی بیگانگان، حساس و هشیار باشد و تمام توان، در حفظ شئون دینی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی خویش بکوشد و طرق نفوذ و رخنه دشمن در این شئون را مسدود سازد. طبق آنچه گفتیم، وقتی راه نفوذ را دریافتیم، راه علاج درد نیز مشخص می‌شود، اما متأسفانه ما با مسائل و مقولات مهم فرهنگی و اجتماعی خود، همچون مسئله زن و حجاب و خانواده یا مفاسد اخلاقی موجود، در بسیاری اوقات، بر خورد سطحی و احساساتی (و نه واقع‌بینانه و علمی) داریم و «شرم و حیای معمول شرقی» را – که سرمایه ادب و فرهنگ ماست – در غیر جای خود به کار می‌بریم.

باید حقیقت را نیک دریابیم: در عصر ما که کفر به شیخ‌یونی عظیم و بی‌امان دست زده و چه بسا از طریق کلیه و تئاتر و رمان و ماهواره و... مغز و دل میلیون‌ها پسر و جوان را در چهار گوشه جهان – خاصه شرق اسلامی و ایران شیعی – هدف گرفته است و از منجیق استعمار – د‌دامد – سنگ‌فته می‌بارد، چاره‌ای نیست جز آنکه آنچه را نشانی از دوست و پیمای از فرهنگ و سنن الهی گذشته‌مان با خود دارد، سخت و استوار از دستبرد دشمن پاس داریم، بلکه از آن نور هم‌چون سموم سرد خزان به باغ معنویت شرق زده‌است – هر چه بیشتر، داغ و روشن نگه‌داریم که در تیر باران خصم، سب‌ر از کف نهادن و تیغ از دست دادن را جز ننگ شکست فرجامی در پی نیست. بایبید با همه توان از عفاف و حجاب نوامیس‌مان ظاهرآ کینیم. آری به هوش باشیم که دشمن ما را آبا تعبایر م‌زورانه‌ای نظیر حجاب خودمان – خلع سلاح کینیم، اما رمز مخالفت با حجاب و سنت‌های دینی را نیز باید در پیوند استوار و ربط وثیقی جست‌وجو کرد که میان شعائر دینی و جوهر دین وجود دارد. چنانکه گفتیم، تعظیم شعائر میوه‌ای است که از ریشه نهال دین – یعنی تقوای دل – سر می‌زند: «مَنْ يَعْظُمُ شُعَائِرَ اللَّهِ فَلَهُمَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ» و همانگونه که شعائر، جدای از روح و ریشه دین، کالبدی بی‌روح است، باطن دین نیز بدون برگ و بار ظاهری و وجهه عملی آن – یعنی بدون شرایع و شعائر – حقیقتی دست نیافتنی است. ظاهر و باطن، با هم داد و ستد متقابل دارند و اصولاً راه دستیابی به باطن دین و عامل حفظ آن، همین ظاهر و شعائر است. بی‌جهت نیست که دشمنان اسلام، خاصه استعمارگران به انگیزه محو اساس دین و قطع ریشه آن همواره مبارزه با شعائر – آغاز می‌کنند، برای آنکه روح جبر و عنف (همچون ر‌مان رضاخان) یا به غنچ و دلال (همچون عصر محمدرضا) – از سر زنان و دختران مسلمان را نابود سازند. واقعش این است در میان شعائر مذهبی، آن دسته که چشمگیرتر یا شوارگیرتر از دیگر شعائرند، همواره سب‌ر بالای شعائر دیگرند و دشمن، برای نابودی کل شعائر، نخست از مبارزه با اینگونه شعائر آغاز می‌کند. مثلاً در امر پوشش بانوان، «چادر» (به عنوان «حجاب برتر»)، حصن و حفاظ «رو‌سری» و «هائتو» است یا در امر عزاداری سالار شهیدان (ع)، مسائلی نظیر «سیدسخت‌زنی» و «زنجیرزنی»، حافظ و پاسدار «روضه‌خوانی» و «شک و گریه»

که در جبهه نظامی، خاکریزهای گوناگونی وجود دارد که برخی درست در خط مقدم و در تیررس مستقیم دشمن قرار دارند و برخی آن سوتر و در پشت خط مقدم؛ شعائر دینی نیز این چنین هستند و بعضی از آنها حکم خاکریز نخستین را دارند که فتح و تسخیر آنها، واقعش این‌ها نیست! شعائر را مورد مخاطره شدید قرار می‌دهد، چراکه نیک می‌دانند شعائر، در حکم تنه و شاخه و برگ دین – که «روح‌نباتی» این شجره طیبه است – دیگر بستی برای بروز و جریان نخواهد داشت و از آن پس، دین را باید در بغوله‌ها، بل، در افسانه‌ها سراغ گرفت! با هوش باشیم که دشمن ما را به دست خودمان، خلع سلاح نکند.